

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

روزنامه شتر

دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴ • ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ • ۱۷ نوامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۵۷ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۱۶ • اذان صبح فردا ۵:۱۴ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

آکادمی

یک تفریح ساده



بابک زمانی

نورولوزیست

«مغازه بزرگی است؛ یکی، دو پله پایین‌تر از خیابان. از همان ورود ابری از دود به صورت شِما می‌خورد. یک کافی‌شاپ است. یک، دو تا عکس روشن‌فکرانه هم به دیوار زده‌اند. عده‌ای پشت میزها دارند قلیان می‌کشند. روی قلیان چیزی شبیه به یک بادکنک به چشم می‌خورد و اگر دقت کنی، یک لوله‌کشی ظریف قلیان‌ها را به کپسول‌های بزرگ ایستاده وصل می‌کند، خیلی‌ها می‌خندند، بقیه هم در هر حال شادند».

توصیفی که بیمار ما می‌کرد، چنین جایی را به ذهن می‌آورد، او بعد از چندین بار استفاده از قلیانی که می‌گفتند با گاز خنده ترکیب شده، ابتدا دچار خنده و شادمانی زودگذر و به‌تدریج مبتلا به ضعف اندام‌ها، عدم تعادل و گرگز و مورمور شدید در دست‌ها بود. می‌گفت خیلی‌های دیگر در حین شادمانی چنین حالاتی داشتند.

از آموزش‌های پایه در رشته مغز و اعصاب این است که مصرف گاز خنده N2O می‌تواند باعث کمبود ویتامین ب ۱۲ و علائم نخاعی ناشی از آن بشود. تجربه تاریخی این موضوع تاتارهای کمیک قرن نوزدهم در لندن است که سالن را برای خنده بیشتر حصار، از گاز خنده آکنده می‌کردند. متخصصان مغز و اعصاب از همه بیماران مشکوک به ضایعه نخاعی شرح حال کار در اتاق عمل را که گاز خنده در آنجا وجود دارد، می‌پرسند.

وقتی تجربه با این بیمار را با همکاران دیگر به اشتراک گذاشتم، معلوم شد سایر همکاران متخصص مغز و اعصاب هم چنین تجربه‌ای را داشته‌اند و چنین بیمارانی را دیده‌اند. به‌زودی معلوم شد این نوع قلیان با محوری از وزارت بهداشت و به جهت مقابله با مصرف دخانیات در کشور شروع به کار کرده. استناد این مجوز به تنها مقاله‌ای بوده که مخترع؛ با دوستانش انجام داده‌اند و چون خیلی با اشتقاق خوشحال می‌شده‌اند، آن را برای خلق‌الله هم مفید و سالم تلقی کرده‌اند. هیچ تجربه بین‌المللی و مقاله داخلی دیگری وجود ندارد. ظاهراً حتی با یک متخصص مغز و اعصاب هم درباره گاز خنده و ارتباط آن با بیماری نخاعی که جزء آموزش‌های اولیه‌اش است، مشورت نکرده‌اند. مقاله و مجوز اولیه‌اش است، مشورت نکرده‌اند. مقاله و مجوز و کافی‌شاپ و صفا و صمیمیت! ظاهراً این روش در ترکیب با سایر ادعاها و روش‌های طب سنتی مثل «بو درمانی» جزء افتخارات طب سنتی هم به شمار رفته است.

داستان اعجاب‌آور و البته خنده‌داری است، مثل بسیاری غرایب دیگر که برای ما متعارف شد، اما بیش از هر چیز مثال دروازه و سر سوزن را به یاد می‌آورد. جامعه‌ای که از دروازه مقالات بی‌شمار و دیتاهای فراوان برای درمان سکنه و استفاده از تجهیزات و ملزومات آن عبور نمی‌کند، بخش‌های SCU (واحد سکنه مغزی) را تجهیز نمی‌کند، سی‌تی‌آمبولانس نمی‌خرد، تجهیزات درآوردن

لخته مغزی روبه‌روز

گران‌تر می‌شوند

و... ناگهان از سوزن

تحقیق و مجوز برای

چنین کاری به‌راحتی

عبور می‌کند. معلوم

است کاری است

که هزینه ندارد

و افراد را سر کار

می‌گذارد. به سیاق و

سلیقه مردم نزدیک

است. دوستش

دارند، می‌خندند و

خوشحال می‌شوند.



دنیای هنر در حال آماده‌باش است. «کریستیز»، «سانتیز»

و «فیلیس» خود را برای حراج‌های بزرگ نوامبر آماده

می‌کنند که در مجموع انتظار می‌رود حداقل ۱.۶ میلیارد

دلار فروش داشته باشند. این یکی از آخرین رویدادهای

مهم تجاری سال است و همه چشم‌ها به بازار دوخته

شده تا ببینند آیا پس از دوره‌ای از فروش‌های کند، تعویق

نمایشگاه‌ها و تعطیلی گالری‌ها، بالاخره بازار روندی

صعودی پیدا کرده است یا خیر. فروش‌های اصلی هفته

آینده که از ۱۷ نوامبر آغاز می‌شوند، ممکن است نقطه

عطف مهمی باشند.

۱.۶میلیارد دلار

دنیای هنر در حال آماده‌باش است. «کریستیز»، «سانتیز» و «فیلیس» خود را برای حراج‌های بزرگ نوامبر آماده می‌کنند که در مجموع انتظار می‌رود حداقل ۱.۶ میلیارد دلار فروش داشته باشند. این یکی از آخرین رویدادهای مهم تجاری سال است و همه چشم‌ها به بازار دوخته شده تا ببینند آیا پس از دوره‌ای از فروش‌های کند، تعویق نمایشگاه‌ها و تعطیلی گالری‌ها، بالاخره بازار باز روندی صعودی پیدا کرده است یا خیر. فروش‌های اصلی هفته آینده که از ۱۷ نوامبر آغاز می‌شوند، ممکن است نقطه عطف مهمی باشند.



علی‌اصغر سیدآبادی

بزرگ‌ترین بحران کشور، یعنی بحران آب، ناترازی منابع و پیامدهای تغییر اقلیم، به افرادی که آزمون اجرایی قابل ارزیابی پس نداده‌اند، محل پرسش است؛ مگر آنکه تجربه‌ای معتبر داشته باشند و ما از آن بی‌خبر باشیم.

مهم‌تر از بحث افراد این است که تصور حل چنین مسئله پیچیده‌ای با تکیه بر یک حوزه تخصصی از یک سوی یک فرد یا حتی یک اندیشکده چندنفره اساساً نشدنی است.

بحران آب، فرونشست زمین، وابستگی کشاورزی به آب، مدیریت منابع طبیعی و تغییر اقلیم مجموعه‌ای از مسائل میان‌رشته‌ای و درهم‌تنیده هستند که ساختار اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و محیط‌زیستی کشور را درگیر کرده‌اند.

این مسائل در معنای دقیق کلمه ملی هستند؛ ملی به معنای همگانی. بحران آب مسئله یک دولت و یک دوره و یک حکومت

گزارش خوانی

چرا هفته دیزاین تهران در پردیس هنرهای زیبا توقیف شد؟

دو مجسمه با شیشه و آینه ساخته شده بود که حالتی مذهبی به فضا می‌داد و یادآور پنجره فولاد بود؛ ترکیبی از مذهب و مدرنیته و ابزار جدید. سروی که یادآور غلم مذهبی روزهای محرم بود، در نزدیکی ورودی سالن مرکزی دانشکده هنر قرار داشت. البته اینها برداشت‌های فردی من به‌عنوان یک تماشاگر است؛ شاید اگر فردی دیگر این آثار را می‌دید، تصور دیگری داشت. تصور اینکه حضور این مجسمه‌ها و تزئینات در تهران و گوشه و کنار آن می‌توانست چقدر فضای شهر را عوض کند، حال‌وهوای خوبی به من تماشاگر القا می‌کرد.

از سویی دیگر فضای باز محوطه دانشکدگان هنرهای زیبا بیشتر میزبان جوانان بود؛ دختران و پسرانی که شاید بیشتر از ۲۴، ۲۳ سال نداشته‌اند. این همه جوان در تهران به استقبال یک برنامه هنری آمده بودند؛ آیا این یک اتفاق خوب و مؤثر نبود؟ تازه آن تعداد زیادی را که منتظر بودند از گالری دیدار کنند نیز باید در نظر گرفت. تعداد زیادی مشغول عکس و فیلم‌گرفتن هنگام ویدئومپینگ بودند. یکی از صحنه‌های این ویدئو، فیلمی بود از روح‌ها و شیخ‌هایی که به سوی آسمان در حال پرواز بودند. بخش دیگر نیز یادکردن از استادان برجسته دانشگاه تهران بود؛ از فرمانفرما تا کریم پیرنیا؛ تقدیری از سوسی دانشجویان. ساعت نزدیک هشت‌ونیم بود که فکر کردیم شاید صف نگارخانه کوتاه‌تر شده باشد و بتوانیم از آن هم بازدید کنیم؛ اشتباه می‌کردیم، هر لحظه به تعداد مشتاقان اضافه شده و صف طولانی‌تر می‌شد. کسانی که از گالری دیدن کرده بودند، هیجان‌زده درباره‌اش توضیح می‌دادند و بقیه را تشویق به دیدن می‌کردند. هنوز افراد زیادی در حال آمدن به دانشگاه بودند. کمتر کسی فکر می‌کرد که قرار است این برنامه متوقف شود. برنامه‌ای که معماران آن را طراحی و در شش بخش و در ۶۴ نقطه برنامه‌ریزی کرده بودند و البته فقط بخش دانشگاه تهران آن متوقف شده است و امروز ۲۶ آبان آخرین روز آن در گالری‌های مختلف سطح شهر تهران اجرا می‌شود.

اعتراض سیج

از شبیه‌شب اعتراض افرادِی به این برنامه افزایش یافت. گفته شد یک ویدئو که افراد را دعوت به حضور و دیدن این برنامه



سال‌هاست که شهرک سینمایی غزالی، یکی از خاطره‌انگیزترین لوکیشن‌های سینمای ایران است؛ جایی که کوچه‌ها، خانه‌ها و مغازه‌های بازسازی‌شده «طهران قدیم»

ما را به روزگار آرام‌تر و صمیمی‌تری از پایتخت امروز می‌برد. بافتی که هنوز بوی تاریخ می‌دهد و یادگاری زنده از شهری است که در قاب سینما جاودانه شد.

عکس: زهرا بازوکی‌آنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

ضرورت اجماع ملی

آیا بحران ناترازی بدون تغییر در شیوه مدیریت حل می‌شود؟

و ایوزیسیون آن نیست، بلکه مسئله همه ایرانیان امروز و فرداست. مسئله همگانی بدون مشارکت همگان حل‌شدنی نیست. تا زمانی که مردم همراه نشوند و ذی‌نفعان بخش‌های مختلف جامعه -از کشاورزان و صنعتگران تا نهادهای مدنی و ساکنان شهرها- به اجماع نرسند، هیچ برنامه‌ای روی کاغذ به نتیجه نخواهد رسید.

به‌همین‌دلیل حل بحران آب پیش از هر چیز نیازمند تغییر در شیوه حکمرانی است. مقصود از تغییر در حکمرانی، ایجاد سازوکارهای شفاف، مشارکتی و جامعه‌محور است که امکان گفت‌وگو، تصمیم‌گیری جمعی، کنار آمدن ذی‌نفعان و اجماع‌سازی را فراهم کند. مسائل درهم‌تنیده‌ای که منافع گروه‌های متعدد در آنها گره خورده است، فقط با مدل‌های حکمرانی مشارکتی و شبکه‌ای حل‌شدنی هستند، درحالی‌که ساختار موجود کشور هنوز آمادگی پذیرش چنین الگویی را ندارد.

پیش از هر اقدام اجرایی، ضروری است در سطح ملی و فارغ از مرزبندی‌های سیاسی، توافق حداقلی بر سر چند مسئله بنیادین شکل بگیرد. تغییر اقلیم و بحران آب مسئله یک دولت یا یک دوره سیاسی خاص نیست؛ مسئله آینده و بقای کشور است. حل مسائل ملی در حلقه‌های بسته و با دستورهای بالا به پایین ممکن نیست. راه‌حل پایدار تنها زمانی شکل می‌گیرد که مردم همراه شوند، ذی‌نفعان کنار بیایند و ساختار حکمرانی امکان مشارکت واقعی و اجماع‌سازی ملی را فراهم کند.

طنزخوانی

هایلایت رضایت ولی نعمت



آیدین سیارسریع

- از اوضاع اجتماعی کشور چه خبر؟

+ رئیس سازمان امور اجتماعی

کشور گفته تنها ۲۵ درصد از مردم از

اوضاع کشور راضی‌اند.

- کم‌کاری می‌کنن دیگه.

+ مسئولان؟

- نه مردم. ۲۵ هم شد درصد؟

+ کم هم نیست، بالاخره ربع جامعه است.

- به‌هرحال باید تلاشمون رو بیشتر کنیم.

+ کاش ما هم ربعی از جامعه بودیم.

- عوضش تعدادمون زیاده.

+ تعداد به چه دردی می‌خوره؟

مهم ارزشه.

- از نظر ارزشی اگه اونا ربع باشن، ما پاریسان صد سوتیم.

+ حالا چه تعدادی میشه ۲۵ درصد؟

- ۲۰ میلیون نفر.

+ یعنی ۲۰ میلیون راضی‌ان؟

- آره.

+ از چی راضی‌ان؟

- از اوضاع.

+ کم‌کاری می‌کنن دیگه.

+ مردم؟

+ نه مسئولان. ۲۰ میلیون زیاده.

- مسئولان در خوابند.

+ انتظار داریم تلاششون رو بیشتر

کنن، آمار برسه به یکی دو میلیون.

- یکی دو میلیون زیاده.

+ چقدر خوبه؟

+ همین که پدر و مادر از آدم راضی

باشن کافیه.

+ آفرین.

- به‌هرحال شما نمی‌تونن رضایت

همه رو جلب کنی.

+ کاش منم همین‌جوری بودم.

- چطور؟

+ من به نفر ازم راضی نباشه شب

خوایم نمی‌بره.

- تو مریضی.

+ ولی روان‌شناسم می‌که مهرطلم.

- منم اگه ساعتی یه میلیون پول

می‌گرفتم احترامتو نگه می‌داشتم.

+ به میلیون خوبه؟

- بد نیست.

+ زدم به کارت.

- لطف شما مزید امتنان بزرگوار.

خدا برکت بدهد.

+ کاش مسئولان هم مثل تو بودن.

حداقل احترام آدمو نگه می‌داشتن.

- مسئولان که پول نمی‌گیرن.

+ پس چه جوری حساب کنیم؟

- همین که از اوضاع راضی باشی

برای مسئولان کافیه.

+ چه جوری راضی باشم وقتی هر

روز دارم فقیرتر می‌شم؟

- تو اگه فقیر بودی به میلیون پول

احترام نمی‌دادی.

+ بیژن تویی؟

- بیژن کیه؟

+ عبدالکریمی.

- بوم. ترک کردم.

+ استرس گرفتم.

- چرا؟

+ حس می‌کنم مسئولان ازم راضی

نیستن.

+ باید تلاشتو بیشتر کنی.

- شماره کارت مسئولانو نداری؟

- چرا. به بار خرید کردم از شون.

+ چی خریدی؟

- فکر کنم کرسی بود. محصولاتشون

عالیه.

+ اتفاقاً منم مدت‌هاست به یه

کرسی هیئت‌مدیره نیاز دارم.

- زدی؟

+ زدم.

- اسکرین‌شات بگیر بفرست

براشون. می‌ذارن تو هایلایت رضایت

ولی نعمت.

- الان راضی‌ای؟

+ خیلی راضی‌ترم.

